( 222 )

هو الله

ای ورقۀ موقنۀ شاخ و برگ هر شجری برشحات سحاب تر و تازه گردد و سبز و خرم شود اما ورقات جنت ابهی بفیض غمام کبریا طراوت و لطافت بی‌منتهی یابد ابر بهاری و فیض نیسانی چنان در فیضانست که دشت گلگشت گشته و صحرا جنت ابهی شده تا توانی بکوش که در نهایت نضارت روحانیه و لطافت وجدانیه و طراوت نورانیه در عالم وجود و عرصه شهود جلوه نمائی و از نسیم حدیقه میثاق باهتزاز آئی و علیک التحیة و الثنآء (ع ع)